

پیشخوان

نظر و گذری بر «حسینیه ارشاد به روایت اسناد»

نظر و گذری بر «حسینیه ارشاد به روایت اسناد»

نهاد امنیتی از مؤسسه اسلامی چه تصویری داشت؟

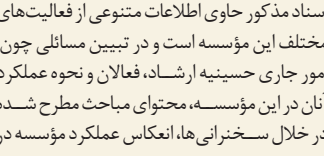
■ شاهد توحیدی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، کارکرد و کارنامه مؤسسه اسلامی حسینیه ارشاد را از منظر بررسی کرده است. این پژوهش به‌دست

انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی به انتشار آن همت گمارده است. تاز نمای ناشر در معرفی این کتاب، به نکات ذیل اشارت برده است:

«روشن ساختن زوایای گوناگون فعالیت مؤسسه حسینیه ارشاد، از آن رو حائز اهمیت است که به عنوان یکی از پایگاه‌های فکری انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید و نقش مهمی در شکل‌گیری ذهنیت جوانان مسلمان ایرانی، در فعالیت‌های انقلابی داشته است. حضور مستمر و فعالانه دو متفکر بزرگ معاصر ایرانی، استاد مرتضی مطهری و دکتر علی شریعتی در حسینیه ارشاد، علاوه بر آنکه نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت نسل جوان به سمت مبادی تفکر اسلامی داشته، بخش عمده و اثرگذارِ در حیات علمی و اجتماعی آن دو نیز قلمداد می‌شود. از این رو واکاوی تازبخچه فعالیت‌های صورت گرفته در حسینیه ارشاد می‌تواند تاحد زیادی نیز روشنگر جنبه‌هایی از حیات این دو تن باشد. پژوهش حاضر به منظور بررسی عملکرد این مؤسسه طی سال‌های دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ ش. صورت گرفته است. این مهم با تدوین و آماده‌سازی اسنادی میسر می‌گردد که ساواک از آغاز تأسیس حسینیه ارشاد از فعالیت آن تهیه کرده است. اسناد مذکور حاوی اطلاعات متنوعی از فعالیت‌های مختلف این مؤسسه است و در تبیین مسائلی چون: امور جاری حسینیه ارشاد، فعالان و نحوه عملکرد آنان در این مؤسسه، محتوای مباحث مطرح شده در خلال سخنرانی‌ها، انعکاس عملکرد مؤسسه در



۴۰۰ شهید آیت‌الله مرتضی مطهری در حال سخنرانی در حسینیه ارشاد

میان قشرهای مختلف مردم و رابطه نهادهای مذهبی کشور و حسینیه ارشاد بسیار راهگشاست. بخش گزیده اسناد حسینیه ارشاد در برگزیده گزارش‌های مأموران ساواک است که در زمان وقوع رویدادهای تهیه و در پرونده‌ای با نام حسینیه ارشاد ضبط شده است. نسخه‌ای از این اسناد پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در اختیار مرکز اسناد انقلاب اسلامی قرار گرفته است و به دلیل تهیه شدن آن از سوی مهم‌ترین سازمان امنیتی کشور (ساواک)، حائز اهمیت فراوان است. اسناد انتخاب شده برای درج در مجموعه حاضر، از میان پرونده مربوط به حسینیه ارشاد انتخاب گردیده که مراحل آماده‌سازی آن بدین شرح است:
۱. مطالعه و بررسی تمام اسناد مربوط به حسینیه ارشاد، ۲. گزینش اسناد مهم این مجموعه بر اساس معیارهایی چون محتوای سند و جامعیت، ۳. مرتب شدن اسناد انتخابی با توجه به اساس معیارهایی چون محتوای سند و جامعیت. در تنظیم بخش علمی و پژوهشی نوشتار حاضر، علاوه بر اطلاعات برگرفته از اسناد، اطلاعات تکمیلی دیگری نیز از خلال کتب خاطرات، مصاحبه‌ها و مقاله‌های مندرج در مجلات و روزنامه‌ها نیز استخراج گردید و در تدوین این بخش مورد استفاده قرار گرفت. در فصول پنج‌گانه مدخل پژوهشی تلاش گردیده‌است تا ضمن ارائه نمایی کلی از تاریخچه حسینیه ارشاد، مهم‌ترین جریان‌ها و فعالیت‌های آن نشان داده شود. در فصل اول زمینه‌های شکل‌گیری مؤسسه، سالیان آن، نحوه ساخت و بخش‌های فعال آن معرفی شده است. فصل دوم به بررسی حضور استاد مطهری در حسینیه ارشاد اختصاص دارد و به سؤالاتی چون جایگاه شهید مطهری در حسینیه ارشاد و علل و نتایج خروج ایشان از مؤسسه پاسخ داده شده است. فصل سوم به بررسی چگونگی حضور دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد می‌پردازد. فصل چهارم با عنوان مخالفان حسینیه ارشاد یا دست‌بندی‌های این مخالفت‌ها به بررسی علل این مخالفت‌ها پرداخته و در فصل آخر سرانجام کار حسینیه ارشاد و نحوه تعطیلی این مرکز بررسی می‌شود.»

تاریخ معاریخ

تاریخ ۸۸۶۸۴۳۷۰



«دولت موقت، چند و چون دور افتادن از رهبر و مردم» در آیینه روایت‌ها و تحلیل‌ها

دولتی که انتقالی بود

اما انقلابی نبود

■ احمد رضا صدری

در روزهای گذشته، از سالروز انتصاب رئیس دولت موقت انقلاب اسلامی با حکم امام خمینی، عبور کردیم. این مناسبت اما موسمی مغفتم برای خوانش تئیا‌ی‌های این دولت یا خط رهبری تأکید دارد: در روی کار آمدن بازگان، آقای مطهری و بهشتی نقش داشتند، اما کسی که این انتخاب امام را تا آخر قبول نداشت و شجاعانه نقطه نظر اش را به امام می‌گفت، مرحوم ربانی شیرازی بود…»

■ دیدگاه رهبر انقلاب، مبنی بر عدم احراز مناصب اجرایی از سوی روحانیون

آنچه می‌تواند متمم بخش پیشین قلمداد گردد، اعتقاد امام خمینی نسبت به عدم احراز مناصب اجرایی از سوی روحانیون بود. با این همه و به علت عدم توفیق غیر روحانیون در انجام بهینه وظایف خویش، رهبر انقلاب اسلامی از این دیدگاه عدول کردند و در یکی از سخنرانی‌ها به تبیین علل این امر پرداختند. محمدعلی صدر شیرازی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره آورده است:

«یکی از مهم‌ترین دلایلی که شورای انقلاب، مهندس بازگان را شایسته نخست‌وزیری می‌دانست، سابقه وی در امور اجرایی، سیاسی و دینی بود. از مهم‌ترین اقدامات اجرایی بازگان که از او یک شخصیت با تجربه ساخت، همان مأموریت خلع پد از ترک نفت ایران و انگلیس بود. بازگان بعداز کودتای ۲۸ مرداد، وارد میدان مبارزه شد. در نهضت مقاومت ملی فعالیت کرد و بعد از آن در سال ۱۳۴۰، با همکاری دکتر سبحانی و آیت‌الله سیدجمود طالقانی، نهضت آزادی را تشکیل داد. آیت‌الله طالقانی رابطه بسیار خوبی با امام داشت و رهبر انقلاب مقاومت این روحانی بلندپایه را در برابر شاه تحسین می‌کرد. بازگان بعد از سال ۱۳۴۰، به خاطر داشتن انگیزه‌های سیاسی و دینی و مخالفت با رژیم شاه، سال‌های زیادی را در زندان به سر برد، یعنی رهبر انقلابی که حضرت امام نیز رهبری نهضت اسلامی را آغاز کرد. از نظر سیاسی نقطه قوت دیگر بازگان که از دید و نظر امام مخفی نبود، نپذیرفتن هر نوع سمت و مقامی در روزهای آخر رژیم پهلوی بود. مهم‌تر از عوامل ذکر شده، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری امام بر اساس مشورت و اعتماد به دوستان مبارز، و مجاهد و افرادی مخلص بود، بنابراین انتخاب بازگان تا حدودی به علت رابطه نزدیک وی با شهید آیت‌الله مطهری بود. خود

بازگان در این زمینه گفته است پیش‌ترها رسیدگی به مسئله نفت که به زعم خیلی از افراد، مقدمه‌ای برای نخست‌وزیری وی به شمار می‌رفت، از جانب شهید مطهری بوده است. آقای علی اکبر ناطق نوری نیز بر نقش استاد مطهری در انتخاب آقای بازگان تأکید دارد: در روی کار آمدن بازگان، آقای مطهری و بهشتی نقش داشتند، اما کسی که این انتخاب امام را تا آخر قبول نداشت و شجاعانه نقطه نظر اش را به امام می‌گفت، مرحوم ربانی شیرازی بود…»

■ اختلافات سران دولت موقت با رهبران روحانی

«امام خمینی بنا بر دلایلی ترجیح می‌دادند روحانیون به مسئولیت‌های اجرایی مفید نگردند. ایشان مصلحت را در اولین روزهای متدینین کار آمد مسئله‌های اجرایی را بر عهده بگیرند و روحانیون نیز بر عملکرد آنان نظارت داشته باشند و در تطبیق آن با شریعت اسلام تلاش نمایند. این نظر، البته خرمندانه بود، اما به شکست انجامیدن تجربه افرادی چون بازگان و بنی صدر و شهادت افرادی چون محمدعلی رجایی باعث شد ۱۹ شهریور ۱۳۶۰ و پس از شهادت شهید رجایی، امام خمینی (ره) با کاندیدا شدن یک روحانی برای ریاست جمهوری دووقت نماید، چنانکه خود فرمودند پیش از انقلاب خیال کردم وقتی انقلاب پیروز شد، افراد صالحی هستند که کارها را طبق اسلام عمل کنند. لذا بارها گفتم که روحانیون می‌روند کارهای خودشان را انجام می‌دهند. بعد دیدم خیر، اکثر آنها افراد صالحی بودند و دیدم حرفی که زده‌ام درست نبوده است، آمدم صریحاً اعلام کردم من اشتباه کرده‌ام. این برای این است که ما می‌خواهیم اسلام را پیاده کنیم… این معنا ندارد که من بگویم چون درپوز حرفی زده‌ام، باید روی همان حرف باقی بمانم. امروز می‌گویم مادام که احکام اسلام پیاده نشده است و افراد صالح نداشتیم تا طبق اسلام عمل کنند، علما باید مشغول کارهایشان باشند.

دولت موقت

در حوزه سیاست خارجی، نخستین رویکرد مسئله‌ساز دولت موقت و نخست‌وزیر آن علاقه شدید به حفظ رابطه با آمریکا بود، امری که بعدها مورد اذعان آنان و همچنین طرف مقابل نیز قرار گرفت. این در شرا یطی بود که هر لحظه احتمال دخالت آمریکا برای براندازی انقلاب اسلامی، بیشتر و بیشتر می‌شد و علائمی نیز از این امر وجود داشت

سهم زیادی در سابقه فعالیت قبلی شان داشته‌اند، ما ترجیح می‌دادیم با وجود این اختلاف نظر‌ها، همکاری داشته باشیم تا وقتی که آقایان به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند پایه‌سای این نقطه نظر‌ها بیایند و استعفا دادند. بنابراین من آقایان را چهره‌های دوست‌داشتنی و برخوردار از صداقت و خوب می‌دانم، ولی از پیش نقطه نظرشان را در جهت این انقلاب نمی‌یافتم و روز به روز این نظر قوی‌تر می‌شد، چه در جهت مسائل داخلی انقلاب و چه در مورد مسائل خارجی انقلاب. ما معتقد بودیم جهان ایران، یک انقلاب جهانی است، لاقال در جهان اسلام و در دنیای مستضعفین، شاید آقایان چنین دیدی نداشتند، مخصوصاً آقای مهندس بازگان خیلی اینطور‌ها نمی‌اندیشیدند. باز آقای دکتر یزدی هم نقطه‌نظر شان با آقای بازگان یکی نیست. ایشان هم با آقای بازگان، اختلاف نظرهایی داشتند. ما معتقد بودیم که در داخل مملکت، باید خارج از این فرم بوروکراتیک عمل کرد. آقای مهندس بازگان عجیب تکیه داشتند روی اینکه همه کارها را ببرند در همین کانال‌های بوروکراتیک و به همین دلیل خیلی ضربه خوردیم و من تنها در مورد جهاد سازندگی باید بگویم که در طول همین دو هفته که بنده آنجا حضور پیدا کردم و سامان جدید به آن دادم، تحرک پیدا کرد، در حالی که آرام آرام داشت به صورت یک چیز نیمه مرده درمی‌آمد! اینها نشان می‌دهد که اختلاف‌نظرهایی داشته‌ایم. ما معتقدیم که این ملت، امروز به کارهای ضربتی و بنیادی احتیاج دارد. ما معتقدیم همانطور که در خور انقلاب است، این گروه‌های کوچک بودند که انقلاب کردند، به پا خاستند و از مجموعه آنها این سیل خروشان دیکتاتوربرافکن، بشوید. آقایان اینطور فکر به‌وجود آمد. همین‌طور هم باید الا ن به مردم کمک کرد تا سازندگی‌های کوچک کنند و معلل آنکه حالا نقشه‌هایی هماهنگ کننده برای کارهای ضربتی به‌وجود بیآوریم، بشوید. آقایان اینطور فکر نمی‌کردند و فکر می‌کردند حالا ما در شرایطی قرار داریم که می‌توانیم ملت را مامل کنیم…»

■ بایدر روابط دوستانه خود را حفظ کنیم!
زوایای دولت موقت با رهبر انقلاب و جامعه آن روز ایران را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. در حوزه خارجی نخستین رویکرد مسئله ساز، علاقه شدید این دولت به حفظ رابطه با آمریکا بود، امری که بعدها مورد اذعان آنان و همچنین طرف مقابل نیز قرار گرفت. این در شرایطی بود که هر لحظه احتمال دخالت آمریکا برای براندازی انقلاب اسلامی، بیشتر و بیشتر می‌شد و علائمی نیز از این امر وجود داشت. تاز نمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مقاله‌ای در این فقره معتقد است:

«سیاست خارجی دولت موقت، بر برقراری رابطه مستمر با امریکا استوار بود.بنابر این مهندس بازگان و جریان نزدیک به او، حفظ رابطه با امریکا را استراتژی مناسبی می‌دانستند. دولت موقت در مواضع رسمی و غیررسمی خود این دیدگاه را ترویج می‌کرد که قطع رابطه با امریکا مقالته نامناسب است و کشور به تداوم روابط با دولت امریکا، نیاز حیاتی و شمر دارد. بازگان یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مصاحبه با خبرنگار نیویورک تایمز گفت دولت ایران مشتاق است تا روابط خوب خود با امریکا را از سر بگیرد. وی در مصاحبه با نیویورک تایمز گفت که روابط دوستانه‌ای با ایالات متحده داشته‌ایم و میل داریم روابط دوستانه‌مان را با ایالات متحده و تمامی کشورهایی که حفظ می‌توانیم اشتیاق بازگان به برقراری رابطه با امریکا و صداقت وی در این امر، برای امریکا کاملاً محرز بود. کاردار سفارت امریکا در یکی از یادداشت‌های خود، درباره اشتیاق بازگان به حفظ روابط دوستانه با امریکا می‌گوید مناسبات حسنه با ایالات متحده، از اعتقادات شخصی نخست‌وزیر است. هنگامی که دادن پست وزارت خارجه به آلبراهیم یزدی مورد بحث بود، نخست‌وزیر از یزدی درپاره این نکته پرسیده بود تا اینکه اطمینان حاصل کرد یزدی از مناسبات دوستانه با امریکا پشتیبانی می‌کند. بازگان در مقابل همه جسته‌ها علیه امریکا سینه سپر کرده بود و تا پای از رفتن دولت نیز پیش رفت، چنانکه خود گفت: «امر مسلم این است که انقلاب ما رفته‌رفته از مرزهای ایران و از مبارزه با الاستبداد تجاوز کرده، داعیه خدمت به اسلام و رسالت جهانی را پیش گرفت و سپس هدف‌های ثانوی و از جهاتی اصلی آن در افتادن با امریالیسم آمریکا و صدور انقلاب برای نجات برتری مستضعفان جهان گردید. اگر چه حالت جهانی‌عام و دفاع انسانی‌را آن‌طور که محمد هیکل می‌گوید، از دست داده باشد، ولی به‌لحاظ تازگی و اولویت اهداف یا اتخاذ سیاست‌های تاکتیکی، به‌طور خواسته یا ناخواسته جهش آشکار به سوی مارکسیسم بین‌المللی کرده است. با مشت‌های

۱۵ بهمن ۱۳۵۷.عمر سه‌علوی تهران، بر اسم انتصاب نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب اسلامی

روزنامه جوان | شماره ۶۹۶۸

گره کرده، جبین درهم‌رفته یا مرگ خواهی و سنتیزه‌جویی خود، بیشتر یادآور انقلاب‌های طبقات کمونیستی بوده تا ارائه‌دهنده چهره تابناک رحمة للعالمین محمدی(ص)… بازگان حتی پس از استعفا از نخست‌وزیری بر این نکته تأکید داشت ما روابط دوستانه‌ای با امریکا داشته‌ایم و باید آن را حفظ کنیم… جیمی کارتر رئیس‌جمهور وقت امریکا، تفاوت دیدگاه بازگان با امام خمینی را اینگونه بیان می‌کند: آیت‌الله خمینی برای پیروان خود، تصویر ما (امریکا) را به زشتی شیاطین خارجی مجسم می‌کرد، اما مهدی بازگان و اعضای کابینه‌اش – که اکثراً تحصیلکرده غرب بودند- با ما همکاری داشتند. آنها از سفارت ما محافظت می‌کردند و از ژنرال فیلیپ گاست که جای ژنرال هاوزر را گرفته بود، محافظت می‌کردند تا بدون خطر رفت و آمد کند و برای ما پیام‌های دوستانه‌ای می‌فرستادند…»

■ منماتمی که برای براندازی کافی می‌نمود!

راهبردهای داخلی دولت موقت نیز در مواردی مناقشه‌برانگیز شد. از جمله آنها رویکرد این دولتمردان در حوزه مسائل نظامی و دفاعی کشور بود. زنده‌یاد آیت‌الله علی‌احمدی میانجی درباره بخشی از آنها چنین دیدگاهی را ابراز کرده است: «قای مهندس بازگان بعد از آن که آبه ریاست دولت موقت ا انتخاب شد، چند عمل انجام داد که به نظر من اعمال ایشان در برانداختن نظام کافی بود. اول: مدت‌زمان خدمت سربازی را به یک سال تقلیل داد. نتیجه این اقدام این بود که کسانی‌که با دگان‌ها بودند، خدمت سربازی آنها تمام می‌شد و دیگر سربازری برای حفاظت از مملکت نداشتیم. دوم: اعلام باز خرید نمودن درجه‌دارن. آقای موسوی اردبیلی می‌گفت: با اعلام این مسئله باید تمام درجه‌دارن ما ساندویچ‌فروش و… می‌شدند و ارتش از هم پاشیده می‌شد. سوم: قبول نکردن سربازهای فراری. در قبل از پیروزی انقلاب پادم می‌آید که من در میانه بودم. سربازهای فراری به پادگان برگشتند، اما آنها قبول شان نمی‌کردند و می‌گفتند برید، بعداً بیایید! به همین جهت خود من که طلبه بودم، مجبور شدم برای حفاظت از پادگان میانه ۵۰۰الی ۶۰ نفر از مردم بیچاره سربازی رفته دهات خودمان را با خرج خودشان به حفاظت از پادگان بفرستم. چهارم: خدمت درجه‌دارن، در منطقه بومی خودشان. آقای مهندس بازگان گفته بود هر افسر درجه‌داری به محل خودش برود و در آنجا خدمت بکند. همین مسئله باعث شد تا مثلاً درجه‌دارن کرد در کردستان، بلوچ در بلوچستان و… جمع شوند. سرهنگی که اکنون بازنشسته شده است، نقل می‌کرد ما هر تصمیمی که می‌گیریم، کرد‌ها متوجه می‌شوند و این بدان علت است که غیر از آن تمام کسانی که به اینجا آمده‌اند، کرد هستند. دستوراتم را عمل نمی‌کنند و اسرار را به بیرون منتقل می‌کنند.. به هر حال این چند عمل را که مهندس بازگان انجام داد، به نظر من در برانداختن نظام کافی بود منتها خدا این انقلاب را حفظ کرد…»

■ دولتی که موقت بود!

بی‌تردید امام خمینی، شهید آیت‌الله مطهری و دیگر شخصیت‌هایی که راه را بر نخست‌وزیری مهندس بازگان گشودند، بیش از بساد دیگر به مشتی فکری و عملی وی واقف بودند. از این روی و به تأکید، به این دولت لقب «موقت» دادند که مسئولیت یافتن آن سئو ن‌تفاهم برانگیز نبود. سیدمحمدجواد قربی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، موضوع را به این ترتیب شرح داده است:

«همانگونه که در ادبیات سیاسی آمده و تاریخ انقلاب‌ها جهان‌گویی بر آن است، دولتهای موقت در دوران برزخ سیاسی، پس از انتقال قدرت تشکیل می‌شود و از زمان تصویب قانون اساسی جدید و بنیانگذاری نهادهای جدید، عهده‌دار امور کشور است. نیزو‌های حزباللهی که خواهان این‌همد فعلی بقایای رژیم پیشین بوده و به عنوان چهره ریشه‌گرا بیشترین تخصص را با نیروهای وفادار رژیم پهلوی انجام داده بود، به دلیل آنکه در یک میدان عمل وسیع انقلابی بخش عمده‌ای از سازماندهی و ارتزب انقلابی اش را از دست داده بود، برای سازماندهی مجدد نیازمند یک مرحله انتقالی بود تا پس از بازسازی نیروهای خود، آمادگی حکومت کردن را بیابد. از سوی دیگر، چون جنبه میانه‌روها را نیز بر اساسی و وفاداری به آن که مستلزم حفظ و تثبیت سلطنت مشروطه بود و خواهان نابودی ارکان رژیم پهلوی به روش اصلاح‌طلبان جوان نبود، با برخورداری از روش متلاشی‌کننده رژیم پهلوی روبه‌رو نشد، بلکه ارکان آن تا حدود زیادی دست نخورده باقی ماند. دولت موقت بازگان، نمونه بارز این مرحله انتقالی است. گمان لیبرال‌ها در هـر انقلابی آن بوده است که یک حکومت مستمر تثبیت شده خواهند داشت، لیکن به لحاظ سرنوشت در تمام انقلاب‌ها حامل یک دوره انتقالی بوده‌اند. به کارگیری لفظ موقت برای دولت بازگان از سوی امام خمینی(ره)، مبین درایت، هوشیاری و شناخت رهبر انقلاب از این خصیصه است. در حالی که در تاریخ انقلاب‌ها لفظ موقت برای دولت پس از انقلاب به کار رفته است، هرچند در اصل چنین بوده‌اند. از طرف دیگر برخورد منفعلانه دولت بازگان حاصل انقلابی سازگاری نداشت و این برآورنده انتظار انقلابی‌های اصیل نبود. بازگان که خود به موقتی بودن کابینه خود و مخالفت‌های نهادهای انقلابی پی برده بود، کم‌کم از استمرار کابینه‌اش ناامید شده و در فضای انقلابی جامعه ایرانی، زیر فشارهای سنگینی بود که ناشی از عملکرد منفعلانه‌اش بود و همین امر از زمینه‌های استعفا‌ی وی بوده است.»



دولت موقت

دولت موقت همانگونه که از نام آن بر می‌آمد، یک دولت انتقالی بود. از این روی در گزینش رئیس و همکاران آن از برخی رویکردهای نامنتطبق آنان یاد دیدگاه‌های امام خمینی و دیگر رهبران روحانی انقلاب، صرف نظر شد. با این همه چندی پس از آغاز به کار این دولت، این تفاوت‌ها و حتی تضادها آشکار شد